

درآمدی بر اقتصاد اسلامی

آیه‌الله موسوی اردبیلی

چکیده:

در این گفتار به چند نکته کلی اشاره می‌کنیم: اولاً: بررسی، تحقیق و مطالعه در اقتصاد اسلام و ضرورت آن برای هر انسان مسلمان و حتی برای محقق بی‌طرفی نیز روشن و واضح است. ثانیاً: همان‌طور که از عنوان این نوشته پیدا است، هدف ما اشاره به بعضی از موارد کلی در مقوله اقتصاد اسلامی است. لذا نباید انتظار یک بحث جامع از آن داشت. ثالثاً: ما معتقدیم اسلام دارای نظام اقتصادی است. و آن نظام اهدافی دارد و برای تحقق آن اهداف، یک سلسله ابزارها نیز در اختیار دارد. رابعاً: به نظر ما مطالعه و بررسی در اقتصاد اسلام، روشهای خاص خود را نیز دارا می‌باشد. در این مقاله کوتاه در نظر داریم اجمالاً به موارد مذکور اشاره کنیم.

مقدمه

درباره اقتصاد اسلامی سخنان بسیاری گفته شده است. در کتابنامه‌هایی که در این رابطه منتشر گردیده، به صدها کتاب و هزاران مقاله، پیرامون اقتصاد اسلامی اشاره شده است. علاوه بر این سمینارها و کنفرانسهای متعددی در سطح داخلی و خارجی برگزار شده و هنوز برقرار می‌گردد. اما متأسفانه تاکنون نتایج مطلوبی حاصل نشده است. نه تعریفی مناسب از اقتصاد اسلامی صورت گرفته است، نه نظام اقتصاد اسلامی

اسلام تدوین شده است. هدف ما در این نوشته این است که در قالب یک بحث ابتدایی تا حد ممکن به رفع نواقص فوق مبادرت کنیم. البته در این زمینه باید تأکید کنیم که ادعایی نداریم که حرف آخر را زده باشیم، لذا از صاحب نظران و علاقه مندان به بحثهای اقتصاد اسلام چه در حوزه و چه در دانشگاه انتظار داریم با پیشنهادات و انتقادات علمی خود، ما را یاری دهند تا بتوانیم تصویری کلی و منسجم از اقتصاد اسلامی ارائه دهیم. همان طور که اشاره شد با وجودی که تلاشهای زیادی در این زمینه صورت گرفته است، اما همچنان موضوع مذکور نیاز به بازنگری و تدوین دقیق دارد.

تعریف اقتصاد اسلامی و تاثیر نهادها بر اقتصاد

باتوجه به این که علم اقتصاد فعلی در واقع علم بررسی پدیده های دوران سرمایه داری است و انسان آن دوره و فروض و شرائط همان دوران مبنای آن بوده است، ویژگیهای مخصوص به خود دارد. نحوه تفکر انسان، او ما نیستی بوده، رفتارهای تولیدی و توزیعی اش متناسب با همان اندیشه است. انسان آن دوره در اصل، انسانی است که اصالت را از خدا گرفته و به خود بخشیده است. لذا این اقتصاد نمی تواند همان اهداف و اصولی را داشته باشد که یک اقتصاد اسلامی دارا است. انسان مسلمان معتقد به اصالت خدای تعالی، مالکیت او و قانونگزاری از ناحیه او می باشد. در مکتب اسلام انسان در تمامی رفتارهایش در جستجوی کسب رضای خدا می باشد و به دنبال اشباع انگیزه های فردی و شخصی و رضای حس افزون طلبی نیست؛ به عبارت دیگر غایت تکاپوی انسانی در فرهنگ اسلامی، قرب به خدا است. در نتیجه نمی توان پذیرفت همان تئوریهها، الگوها، روابط موجود بین متغیرها، برنامه ها و سیاستگزاریهایی که در اقتصاد سرمایه داری حاکم است در اقتصاد اسلام نیز حاکم باشد. بنابراین حتی تعریف اقتصاد اسلامی با تعریف اقتصاد در چارچوب سرمایه داری متفاوت خواهد بود^(۱). به نظر ما، مناسب است که اقتصاد اسلامی به این صورت تعریف شود:

«اقتصاد اسلامی عبارت است از یک سلسله دستورات و قوانین شرعی که در ارشاد و هدایت مردم در امر تولید و توزیع و خدمات و مصرف صحیح به منظور جلوگیری از مشکلات مادی و رفع نیازمندیها و از بین بردن فقر و استضعاف و جلوگیری از تکاثر، براساس حق و عدل به نحوی منسجم تدوین

باتوجه به مضمون تعریف فوق ملاحظه می شود که عناوین و موضوعات و کاربردهای اقتصادی در اسلام ضمن این که می تواند مشترکاتی با سایر نظامهای اقتصادی داشته باشد، دارای خصوصیات منحصر بفرد نیز باشد. همین که در این تعریف قانونگذار اصلی شارع مقدس می باشد، یک تفاوت کلیدی بین اسلام و غیر اسلام خواهد بود. اما در عین حال می توان جنبه هایی از زندگی اقتصادی را نشان داد که اسلام و غیر اسلام در آن برخورد یکسانی داشته باشد. مثلاً در جایی که بحث روشهای تولید و توزیع و کاربرد یا عدم کاربرد تکنولوژی است، اسلام و غیر اسلام می توانند ابزارهای مشترکی داشته باشند. امروزه کلیه نظامهای اقتصادی جهان از تکنولوژی صنعتی تقریباً استفاده واحدی می کنند. آنچه برای آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای صنعتی و نیز به نحر روز افزونی برای ایران، چین و هندوستان (که در حال صنعتی شدن هستند) مشترک است، تکنولوژی صنعتی است که تولید با مقیاس بزرگ را مورد تأکید قرار می دهد. به عبارت دیگر تکنولوژی صنعتی تا حدود قابل توجهی از لحاظ ایدئولوژی بیطرف است. کشورهای سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلامی، همگی می توانند از خطوط تولید یکسانی استفاده کنند. مهندس، خواه در آمریکا باشد یا در روسیه و یا در هر جای دیگر، با مسایل تکنیکی تقریباً واحدی مواجه است.

اما علاوه بر قالب تکنولوژیک، در همه نظامهای اقتصادی، یک سری امور نهادی و امور ایدئولوژیکی نیز مطرح است. این جا می خواهیم تأکید کنیم که تفاوتی موجود در نظامهای اقتصادی، بیشتر به این دو جنبه مربوط می شود. نهادهایی مانند، مالکیت، سیستم پولی، واحدهای تولیدی، سازمانهای کارگری، سیاستگزاری های دولتی و امور مشابه که در کشورهای مختلف بسیاری از خدمات اقتصادی را انجام می دهند، بر اساس نظامهای حاکم بر آن کشورها متفاوت می باشند. قالب نهادهای مذکور در کشورهای سرمایه داری مبتنی بر مالکیت خصوصی است و در کشورهای سوسیالیستی (سابق) بر مبنای مالکیت دولتی است.

این نهادها با این که ممکن است از جهات اجرایی و کارشناسی، باز هم مسایل مشترکی در همه نظامها (سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلامی) در برداشته باشند، اما هریک تحت تأثیر مبانی ایدئولوژی خاصی می توانند قرار گیرند. ایدئولوژی یا مجموعه عقاید و افکار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که هر ملت در نتیجه تأثیر متقابل افراد و گروهها و محیط فرهنگی خود دارا می باشد، می تواند بر تمامی واحدهای اقتصادی یک

کشور و نحوه ارتباط و پیامدهای کلی آنها سایه افکند. لذا یک فرق اساسی بین اقتصاد اسلامی و سایر نظامها نیز در همین بستر قرار دارد؛ که در بحث اهداف و اصول اشاره بیشتری به آن می شود.

اهداف و اصول اقتصاد اسلامی

اهداف اقتصاد اسلامی با ایدئولوژی آن پیوندی ریشه ای دارد. البته می توان نشان داد که این ارتباط و پیوند اهداف و ایدئولوژی، مختص اسلام نبوده و در سایر نظامها نیز چنین است. ایدئولوژی است که در نظام سرمایه داری رهنمود حاکمیت بخش خصوصی و مکانیسم بازار را می دهد. ایدئولوژی است که در نظامهای متمرکز، جهت گیری اقتصادی را بسوی دولتی شدن ترسیم می کند. و ایدئولوژی است که با بیان حساسیتهای مربوط به اهداف و اصول اقتصاد اسلامی، تقاضای برنامه ریزی در راستای تحقق آن اهداف و اصول را دارد. همین حساسیتهای ایدئولوژیک است که عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و استضعاف و مبارزه با ثروت اندوزی را در نظام اسلامی به عنوان پایه حرکت اقتصادی تدوین می نماید.

دین اسلام، دین تربیت و هدایت انسانها است و برای رساندن انسان به کمال مطلوب تشریح شده است. ضمن توجه به جنبه های معنوی، به اقتصاد نیز نظر خاصی دارد. در این رابطه اسلام از طرفی دارای اهداف و اصولی اقتصادی روشن است و از طرف دیگر اصول و اهداف مذکور منسجم و هماهنگ هستند. در مرحله نهایی اسلام برای حصول اهداف و اصول مورد نظر، دارای ابزار و وسایلی نیز می باشد. در این جا ضمن اشاره به بعضی از اهداف، به تعدادی از ابزارها نیز اشاره می کنیم. قبل از اشاره به آیات و روایاتی در این زمینه بطور کلی متذکر می شویم: اصول پایه ای اسلام می تواند شامل: عدالت، ریشه کنی فقر و استضعاف، منع ثروت اندوزی، منع استثمار و امثال آن باشند. و برای حصول این اهداف، اسلام بر ابزارهایی از قبیل: منع اسراف و تبذیر، منع اختلاس و احتکار، منع ربا و رشوه، توزیع عادلانه ثروتها و درآمدها، استفاده از انفال و ثروت های عمومی، برنامه ریزی در کشاورزی و دامپروری برای رفع نیازهای اولیه، انفاقات و صدقات و زکوات و اخماس توجه به کار مفید اقتصادی (و اهمیت به حقوق کارگر)، و دیگر وسایل استوار می باشد.

نمونه های از آیات شریفه قرآن را در تایید پایه های مورد نظر در اقتصاد اسلام ذکر می کنیم. بدیهی است اشاره به آیات مذکور صرفاً جنبه تذکر داشته، بیانگر انحصار این آیات به موارد بحث نمی باشد. در این جا به چند دسته از آیات اشاره می شود.

دسته اول: آیاتی هستند که می توان براساس آنها درك كرد كه جامعه ای را پیشنهاد می کنند که براساس عدل بوده، دور از هر نوع تعدی و تجاوز می باشد. در یکی از این آیات آمده است: (ان الله يامر بالعدل والاحسان وابتاء ذى القربى ...) (۲) در این آیه خداوند فرمان به عدل و نیکوکاری می دهد و در ارتباط با رسیدگی به ارحام و خویشان تاکید می نماید. و یا در جایی دیگر می فرماید:

(ولايجرمنكم شنتان قوم على الا تعدلوا، اعدلوا هو اقرب للتقوى ...) (۳)
 «کردار ناپسند گروهی شما را وادار نکنند که از مسیر عدالت بیرون روید، بلکه به عدالت حکم کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است.»

دسته دوم: آیاتی است که توجه به ریشه کنی فقر و استضعاف مالی دارد. برای نمونه می توان اشاره کرد به:

(ارأيت الذى يكذب بالدين فذلك الذى يدع اليتيم ولايحض على طعام مسكين) (۴)

«آیا دیدی آن که دین را باور نداشت، پس او همان است که یتیم را بحال خود رها نمود و برای اطعام بیچارگان تشویق و ترغیب ننمود.»

دسته سوم: آیاتی را در برمی گیرد که به منع ثروت اندوزی و مبارزه با انباشت ثروت (بطورراكد) توجه دارد. از این آیات می شود اشاره کرد به (الهيكم التكاثر) (۵) و همین طور به سلسله آیات (ويل لكل همزه لمزه الذى جمع مالا وعدده يحسب ان ماله اخلده) (۶) که در آیه اولی با اعلام نوعی هشدار به هر نوع ثروت اندوزی و تکاثر طلبی است. و در آیات بعد می فرماید «وای بر هر عیب جوئی هرزه زبان، آن کسی که اموال را گردآورده همواره بر شمارش آن سرگرم بوده، گمان می برد که این مال است که او را جاودان گرداند.»

دسته چهارم: آیاتی که به منع استثمار و بهره کشی اشاره می کند. مفاد بعضی از آیات، کم فروشی و نوعی دزدی در معاملات و ضایع نمودن اموال مردم را مورد نهی قرار می دهد که به نظر ما به نحوی از مصادیق استثمار می باشد. مثلاً این آیه شریفه:

(وزنوا بالقسطاس المستقیم ولا تبخسوا الناس اشیائهم ولا تعثوا فی الارض مفسدین) (۷) «که ای مردم آنچه می فروشید با سنگ تمام بدهید و از کم فروشی حذر کنید (و اموال مردم را برگردانید) و با این وضع بذر فساد در زمین نپاشید.»

و یا در آیه دیگر می فرماید:

(ولاتنس نصیبک من الدنيا وأحسن كما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد

فی الارض) (۸) یعنی «بهره ات را از دنیا فراموش مکن و تا می توانی به خلق

خدا نیکی کن و در روی زمین خواهان فساد مباش .»

دسته پنجم: آیاتی که در ارتباط با رفع اختلافات طبقاتی بوده و تأکید بر چرخش سرمایه در دست همگان دارد. در یکی از این آیات پس از دستور در مورد تقسیم فی می فرماید:

(... کی لایکون دولةً بین الاغنیاء منکم ...) (۹) «... من فی را به اشخاص معین

از مستضعفین اختصاص دادم تا موجب افزایش، ثروت و ثروتمندان نباشد.»

دسته ششم: آیاتی که توجه به دوری از اسراف و تبذیر و مقابله با مصرفگرایی دارد. از جمله این آیات، آیه شریفه (... واهلکنا المسرفین) (۱۰) است که می فرماید «ما اسراف کنندگان را به هلاکت رساندیم.» و نظیر این، (کلوا واشربوا ولا تسرفوا) (۱۱) می باشد که از اسراف منع می فرماید.

تذکر نهایی در این قسمت این است که اولاً: ما تنها به یک مجموعه از آیات شریفه اشاره کردیم. و همان طور که گفتیم صرفاً بعنوان بیان مواردی از توجه قرآن به اقتصاد بود و در یک بحث تکمیلی می توان موارد فراوانی از دیگر آیات و روایات را ضمیمه ساخت. ثانیاً: فقط به ترجمه ساده آیات مورد بحث اکتفا نمودیم.

و می توان در بحث مستقلی به استدلال آیات مذکور و تفسیر آنها پرداخت. چون هدف در این نوشته (همان طور که قبلاً نیز اشاره شد) صرفاً درآمدی بر اقتصاد اسلام، است و به همین موارد بسنده می نمایم.

روش پژوهش و بررسی در اقتصاد اسلامی

در این جا بطور اختصار و فهرستوار به روشهایی اشاره می کنیم که به نظر ما برای انجام یک تحقیق جامع در اقتصاد اسلامی مفید می باشد. موارد مذکور هم روشهای مطالعه متون اسلامی را دربردارد، و هم تذکراتی به محققان می باشد. در ضمن چون برای یک بررسی همه جانبه در اسلام لازم است به مقدار کفایت از امور اقتصاد روز اطلاعاتی در دست باشد، در میان روشهای ذیل به گوشه هایی از این امور هم اشاره شده است.

تذکر پایانی این که این روشها همانند خود این مقاله کاملاً کلی است و در یک مقاله جداگانه ای می توان شیوه های اجرایی و ریز آنها را در چارچوب استدلال فقهی و اقتصادی بیان نمود.

۱- مطالعه و بررسی در متون اسلامی از کتاب و سنت، فقه و سیره، تاریخ اسلام و

تاریخ مسلمین صدر اسلام، مطالعه هر آنچه مربوط به معیشت و زندگی و روابط مالی و مادی مسلمین بوده است. مثلاً بررسی خمس، زکات، انفال، صدقات، انفاق، ارث، ربا، احتکار، احیاء موات، مالکیت‌های خصوصی و عمومی.

۲- بررسی مطالبی در مورد قناعت، اسراف، تبذیر، ساده‌زیستی، تجمل‌پرستی، مسأله ظروف طلا و نقره، آلات و ابزارهای طلا و نقره، تزئینات طلا و حریر برای مردها، بررسی کار در اسلام، تجارت در اسلام، کشاورزی و زراعت، خرید و فروش و اجاره، بحث شرکت، قالب کلی حقوق مالی و موضوع قرض الحسنه.

۳- بررسی قواعد فقهی-مالی مانند: قاعده تسلیط، احکام عقود، بحث ائتلاف اموال و ضمان، مسأله مالیت کالاها و مطالعه چارچوب بازار در اسلام و امثال آن.

۴- بازنگری مفاهیم فوق با در نظر گرفتن تحولات زمان و نیازهای روز. مثلاً بازنگری در مورد مصرف خمس، تعیین مقدار زکات و تعیین محدوده کالاها و اموال مشمول زکات، بررسی مجدد احکام انفال، بررسی ملک و حق و حکم، بررسی احکام مالکیت، بررسی دقیق و جدید احتکار و ربا و احیاء موات در زمانهای فعلی.

۵- تحقیق پیرامون موضوعات مستحدثه، از قبیل: حکومت، ولایت مستقیم و غیرمستقیم، تنظیم خانواده، مسأله جمعیت، بیمه، شرکتهای تضامنی و تعاونی، شخصیت‌های حقوقی، قراردادهای بین‌المللی، مقاله‌نامه‌ها، قالب کلی روابط کارگر و کارفرما، بررسی مستقل پدیده ماشین و ماشینیسیم و پیامدهای آن.

۶- شناخت و مطالعه دقیق شرکتهای چند ملیتی، نحوه کارکرد و تکنیکهای خاص اجرایی آنها، تحقیقی مستقل در مورد ضرورت نظام بانکی، بررسی چارچوب گردش پول، بررسی ارتباط بازرگانی داخلی و خارجی، بررسی چارچوب تراستها و کارتلها، بررسی جوانب مختلف استقراض خارجی و آثار آن.

۷- بررسی ارزش پول داخلی، ارتباط پول داخلی و خارجی، مشخص نمودن چارچوب تولید داخلی، بررسی ثروتهای ملی، درآمد سرانه.

۸- شناسایی نقش انسان به عنوان محور اساسی مطالعه علوم اجتماعی (و من جمله اقتصاد) هم از دید اسلامی و هم از نظر رفتارهای واقعی آن.

۹- نقد و مطالعه نظامهای اقتصادی موجود جهت مقایسه با مکتب اقتصادی اسلام.

۱۰- پس از بررسی موضوعات مذکور در متون دینی و اقتصادی، وظیفه محقق این است که تلاش کند اولاً: ارتباط آنها را ارزیابی کند و ثانیاً: کوشش نماید که حکم شرعی آنها را استخراج نماید.

۱۱- باید توجه داشت که تنها رجوع به کتب فقهی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست؛ زیرا ممکن است موضوعاتی باشد که در کتب فقهی عنوان نشده باشند اما از منابع اولیه قابل استخراج باشند.

۱۲- یک تذکر به محقق در این مباحث این است که جانب تعادل را حفظ کرده، از افراط و تفریط دور باشد. به عبارت دیگر از روشنفکری به اصطلاح روز احتراز کند و هر احتمال را به اسلام نسبت ندهد. و از طرفی از تحجر هم دوری گزیند که آن هم آفت دیگری برای تحقق محسوب می شود. گاهی در منابع اسلامی حکمی و دستوری مطرح شده، که از زوایای مختلف مورد توجه بوده است. و لازم است از جوانب مختلف بررسی شود و تنها به یک جنبه آن بسنده نگردد.

۱۳- تذکر دیگر به محققان در اقتصاد اسلام این است که توجه داشته باشند بحث ها ریشه یابی شوند. گاهی ممکن است یک موضوع از لحاظ اقتصادی یک نتیجه داشته باشد و از نظر فقهی آثار دیگری بر آن بار شود. ممکن است مثلاً بهره از نظر اقتصادی توجیه داشته باشد ولی در فقه نظر دیگری در مورد آن باشد. همین طور مسایلی از قبیل احتکار، استضعاف، تجمع ثروت، استعمار و استثمار و امثال آنها.

۱۴- پس از طی کردن قدمهای فوق و بررسی ارتباط بین آنها و تشخیص فقهی و شرعی آن، می توان با کمک درك دقیق مبانی اسلام و اقتصاد و با شناخت همه جانبه مسایل جامعه، به ترسیم یک الگوی نسبتاً جامع برای اقتصاد اسلام مبادرت ورزید.

پی نوشت:

- (۱) جهت اطلاع از تعریف و یا تعاریف گوناگون علم اقتصاد، علاقه مندان می توانند به متون مدون اقتصادی مراجعه نمایند.
- (۲) سوره نحل آیه ۹۳.
- (۳) سوره مائده آیه ۸.
- (۴) سوره ماعون آیه ۳-۱.
- (۵) سوره تکوین آیه ۱.
- (۶) سوره همزه آیه ۳-۱.
- (۷) سوره شعراء آیه ۱۸۲-۱۸۳.
- (۸) سوره قصص آیه ۷۷.
- (۹) سوره حشر آیه ۷.
- (۱۰) سوره انبیاء آیه ۹.
- (۱۱) سوره اعراف آیه ۳۱.